

سعی کنید گزارش شفاهی خودتان را خیلی طولانی نکنید. فقط مهم‌ترین نکات را بگنجانید. روی مقدمه و نتیجه

خودتان خیلی کار کنید. این‌ها چیزهایی هستند که مخاطبان شما بیشتر به خاطر خواهند آورد.

مهم‌ترین چیز تمرین کردن است. گزارشتان را با صدای بلند بخوانید. اگر طولانی است، آن را با دقت بررسی کنید تا بفهمید آن را [باید] چگونه کوتاه‌تر کنید. تغییر آهنگ صدا و سرعت صحبت کردن خودتان را امتحان کنید. سپس، آن را برای گروه کوچکی از دوستان بخوانید. از آن‌ها بخواهید تا پیشنهاد دهند [که] فکر می‌کنند شما چه کاری می‌توانید بکنید تا آن را بهتر کنید.

اگر می‌خواهید موفق باشید، این‌ها اقداماتی هستند که شما باید انجام دهید، چه دوست داشته باشید، چه دوست نداشته باشید.

1. **گزینه (۴)** توضیح: همون طور که توی کتاب «گرامر زبان کنکور» خوندی، بعد از try (به معنی سعی کردن، تلاش کردن)، فعل دوم to می‌گیره و برای منفی کردن مصدر با to هم، فقط کافیه قبل to، not بیاری.

2. **گزینه (۱)** به یاد آوردن، به خاطر آوردن (۲) بهبود یافتن، باز یافتن (۳) تولید مثل کردن؛ کپی کردن (۴) نیاز داشتن؛ ملزم کردن

3. **گزینه (۳)** توضیح: بعد از کلمات پرسشی (مثل how تو این تست) فعل رو به شکل مصدر با to میاریم.

4. **گزینه (۲)** وقف کردن، اختصاص دادن (۲) پیشنهاد کردن، توصیه کردن (۳) الهام بخشیدن به (۴) اصرار کردن، تأکید کردن

5. **گزینه (۴)** مورد، نمونه (۲) ترم، نیم سال؛ اصطلاح (۳) حقیقت، واقعیت (۴) قدم، گام؛ اقدام

من برنامهٔ اخیر شما را تماشا کردم و علاقه‌مند بودم که نتایج تحقیقی را که انجام دادید، بدانم. من، به ویژه به یافته‌های شما در مورد استفادهٔ بیش از پیش از کامپیوترها و کاهش کتاب‌خوانی علاقه‌مند بودم. این واقعیت که افراد جوان بیشتری از کامپیوتر استفاده می‌کنند به سختی تعجب‌آور است. گسترش شبکهٔ جهانی وب بدین معنا بوده است که ما اکنون می‌توانیم انبوهی از اطلاعات را با سرعت و به سادگی بدون ترک کردن خانه‌هایمان به دست آوریم. این ابزار تکنولوژیک برای دانش‌آموزان بسیار با ارزش است و البته باید مورد استقبال قرار گیرد. کامپیوترها می‌توانند هم‌چنین برای ارتباط ساده [و] ارزان در سراسر جهان استفاده شوند، که کاربرد فراوانی برای میلیون‌ها [نفر] داشته و انسان‌ها را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده است. با وجود این، دلایلی وجود دارد [که] چرا کامپیوترها هرگز نمی‌توانند جای کتاب‌ها را بگیرند.

### ۶. گزینهٔ (۴)

**توضیح:** تحقیق کردن، پژوهش کردن: do / carry out a research

**۷. گزینهٔ (۱)** **توضیح:** چون یک عبارت رو به‌عنوان فاعل جمله

داریم یعنی:

(the fact that more young people are using computers)

فاعل سوم شخص مفرد حساب می‌شود و جمله رو با فعل مفرد (is) کامل می‌کنیم.

**۸. گزینهٔ (۴)** (۱) اساس، پایه (۲) مهارت (۳) راه‌حل، [شیمی] محلول

(۴) توسعه؛ پیشرفت؛ گسترش

**۹. گزینهٔ (۲)** **توضیح:** فعل welcome (استقبال کردن) جزء افعال متعددی

هستش و به مفعول نیاز دارد. چون مفعول آن (this technological device) قبل از جای خالی آمده، این فعل رو به‌صورت مجهول (to be + p.p.) می‌آوریم.

bring people closer together:

۱۰. گزینه (۴) توضیح:

افراد / انسان‌ها را به یکدیگر نزدیک‌تر کردن

این داستان دربارهٔ زن جوانی است که از کالج با مدرک مهندسی فارغ‌التحصیل شد. او بعد از کالج برای شرکت اینترنتی کوچکی کار می‌کرد که کتاب می‌فروخت. از طرف دیگر، دوستانش برای شرکت‌های مشهوری کار می‌کردند که حقوق‌های بالایی پرداخت می‌کردند. او نگران بود و به این فکر می‌کرد که کارش را ترک کند، اما [این کار را] نکرد. حالا که سمت بالایی در شرکتش دارد، از تصمیمی که در آن زمان گرفت، خوشحال است.

۱۱. گزینه (۴) کامل کردن، تکمیل کردن (۲ تجربه کردن

(۳ تولید کردن، به وجود آوردن (۴ فارغ‌التحصیل شدن

۱۲. گزینه (۱) توضیح: چون تو این جمله از بند موصولی استفاده شده تا اطلاعات بیشتری ارائه کنیم، به ضمیر موصولی (which / that) نیاز داریم. حواست باشه که بعد ضمیر موصولی، ضمیر فاعلی (it) رو نیاری.

۱۳. گزینه (۴) توضیح: تو این تست هم مثل تست قبلی از ضمیر موصولی (that) برای ارائه دادن اطلاعات بیشتر استفاده شده است.

۱۴. گزینه (۳) هیجان‌زده (۲ پیچیده (۳ نگران، دلوپس (۴ ذهنی؛ روحی

۱۵. گزینه (۲) توضیح: برای نشون دادن تضاد و نتیجهٔ غیر منتظره از "but" استفاده می‌کنیم.

خیلی وقت پیش نبود که پدر و مادرها از کودکان نوجوانشان

می‌خواستند که مطمئن شوند سکه همراهشان هست تا

بتوانند در وضعیت اضطراری با خانه تماس بگیرند. سپس، تلفن‌های همراه آمدند و همهٔ آن [چیزها] را تغییر دادند! امروزه، از هر پنج نوجوان یکی تلفن همراه دارد و این عدد در حال افزایش است. داشتن تلفن همراه شما را در مدرسه «با حال» و محبوب می‌سازد. ولی نداشتن

CLOZE

03

CLOZE

04

تلفن همراه خجالت‌آور است: مثل پوشیدن لباس‌های یک دهه قبل است! پژوهشی تازه نشان داد که نوجوانان به حدی به گوشی‌های همراهشان معتاد شده‌اند که تفاوت اندکی میان ملاقات یک فرد به صورت چهره‌به‌چهره و صحبت کردن با او با تلفن می‌بینند. پس، دفعه بعد که یک نوجوان می‌گوید «بابا، اگر برایم یک تلفن همراه نخری، من هیچی نخواهم بود»، [توجه کنید که] او جدی است!

**۱۶. گزینه (۱)** (۱) تلفن کردن به، تماس گرفتن با، صدا زدن، نامیدن (۲) (به‌هم) متصل کردن؛ به ... پیوستن، عضو شدن در، ملحق شدن (۳) ترک کردن؛ رها کردن (۴) گذراندن؛ خرج کردن

**۱۷. گزینه (۴)** **توضیح:** فعل increase (افزایش دادن، افزایش یافتن) عملی رو نشون می‌ده که همین الان در حال انجام شدن است و در نتیجه اون رو در زمان حال استمراری استفاده می‌کنیم.

**۱۸. گزینه (۴)** **توضیح:** اگر بخواهیم از فعل در جایگاه فاعل جمله استفاده کنیم، باید اون رو به اسم مصدر (فعل ing دار) تبدیل کنیم. برای منفی کردن اسم مصدر هم کافیه قبل فعل ing دار، یک not قرار بدیم.

**۱۹. گزینه (۱)** (۱) معتاد (۲) ذهنی، روحی (۳) طبیعی؛ ذاتی (۴) احساسی، عاطفی

**۲۰. گزینه (۳)** (۱) کارکرد، عملکرد (۲) هیجان (۳) تفاوت، فرق، اختلاف (۴) مقایسه، سنجش

معمولاً پسر بچه‌ها پرجنب و جوش هستند. آن‌ها فعالیت می‌کنند. بیشتر اوقات، دختر بچه‌ها با هم می‌نشینند و صحبت می‌کنند. وقتی کودکان بزرگ می‌شوند، هیچ چیزی واقعاً تغییر نمی‌کند. معمولاً مردها با هم کار می‌کنند یا در مورد فعالیت‌هایی مثل ورزش و اتومبیل‌ها صحبت می‌کنند. آن‌ها صحبت می‌کنند تا اطلاعات بدهند یا دریافت کنند. اما برای خانم‌ها، مردم و احساسات مهم‌تر هستند. خانم‌ها اغلب صحبت می‌کنند تا علاقه و احساسات [خودشان] را نشان دهند. اگرچه مرد

CLOZE

05

وزن به یک زبان صحبت می کنند، گاهی اوقات [منظوراً] یکدیگر را متوجه نمی شوند. صحبت های مردها و زن ها تقریباً دو زبان متفاوت هستند. اما اگر مردها و زن ها تفاوت های زبانی را متوجه شوند، شاید یکدیگر را بشناسند.

۲۱. گزینه (۴) (۱) با دقت، با احتیاط (۲) به سختی؛ به ندرت (۳) در نهایت، بالاخره (۴) واقعاً، حقیقتاً

۲۲. گزینه (۴) (۱) مقایسه، سنجش (۲) مسیر، جهت (۳) انتظار، توقع (۴) اطلاعات؛ خبر

۲۳. گزینه (۴) (۱) چون (که)، چراکه (۲) با این حال، با وجود این (۳) در نتیجه، بنابراین (۴) اگر چه، هر چند

۲۴. گزینه (۲) (۱) پیش بینی کردن؛ پیش گویی کردن (۲) فهمیدن، متوجه شدن (۳) انتقال دادن، منتقل کردن (۴) بزرگ کردن، بزرگ نمایی کردن

۲۵. گزینه (۱) (۱) مختلف، متفاوت (۲) اجتماعی (۳) عمومی، همگانی (۴) اضافی، زیادی

اولین مردم شناخته شده آمریکای شمالی سرخپوستان و اسکیموها بودند. آن ها احتمالاً از طریق آلاسکا در طی

CLOZE

06

مدت زمانی طولانی از آسیا به آمریکای شمالی مهاجرت کردند. آن ها در سرتاسر آمریکای شمالی به طرف شرق و جنوب پخش شدند.

اسکیموها و بسیاری از قبایل سرخپوستان به شیوه های غیرتمدنانه ای زندگی و از سلاح ها و ابزارهای سنگی استفاده می کردند. بسیاری از آن ها شکارچیان سرگردانی در دشت ها و جنگل ها بودند. سرخپوستان مکزیک و آمریکای مرکزی تمدن پیشرفته ای با ساختمان های خوب، هنر و نظام های حقوقی و دولت داشتند. بزرگ ترین ملت های قدیمی سرخپوستان، در میان آن ها مایاها و آزتک ها، معبدها و کاخ های سنگی زیبایی ساختند.

۲۶. گزینه (۱) (۱) شاید، احتمالاً (۲) اخیراً، به تازگی (۳) معمولاً، به طور طبیعی (۴) به صورت مشروط

۲۷. گزینه (۳) (۱) نقطه؛ نکته (۲) الگو؛ طرح (۳) دوره، دوران؛ مدت (۴) فرایند، روند

۲۸. گزینه (۲) توضیح: برای اضافه کردن اطلاعات و ارائه اطلاعات بیشتر، از "and" استفاده می‌شود.

۲۹. گزینه (۴) (۱) اجتماع، جامعه (۲) سیاره (۳) برج (۴) جلگه، دشت

۳۰. گزینه (۴) (۱) سند، مدرک (۲) عنصر؛ بخش (۳) محیط؛ محیط زیست (۴) دولت

ارزیابی کردن اثرات افزایش دمای زمین، بر روی اقلیم کشورها یا نواحی مختلف دشوار است. اگرچه کل دما و

CLOZE

07

میزان بارندگی زمین افزایش خواهد یافت، برخی از نواحی از بقیه افزایش دمای کمتری خواهند داشت و ممکن است برخی از نواحی در عمل میزان بارندگی کمتری [هم] داشته باشند. کارهای زیادی توسط دانشمندان انجام می‌شود تا پیش‌بینی کنند افزایش دمای زمین تا چه حد ادامه خواهد داشت و اثرات جانبی اقلیمی آن دقیقاً چه [چیزهایی] خواهد بود.

۳۱. گزینه (۱) توضیح: با توجه به مفهوم جمله (کشورها یا نواحی)، "or" به معنی «یا» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳۲. گزینه (۱) (۱) افزایش دادن؛ افزایش یافتن (۲) تولید کردن؛ به وجود آوردن (۳) مرتب کردن؛ ترتیب دادن (۴) محافظت کردن از، نگهداری کردن از

۳۳. گزینه (۲) توضیح: با توجه به کاربرد صفت تفضیلی (smaller) قبل از جای خالی، در جای خالی به "than" نیاز داریم.

۳۴. گزینه (۳) (۱) اخیراً، به تازگی (۲) عمیقاً، به شدت (۳) در واقع، در عمل (۴) دقیقاً

۳۵. گزینه (۴) (۱) راهنمایی کردن، هدایت کردن (۲) حمایت کردن از، پشتیبانی کردن از (۳) [مسئله و غیره] حل کردن (۴) پیش‌بینی کردن، پیش‌گویی کردن

شاید زلزله یکی از ترسناک [ترین] و مخرب‌ترین رویدادهای طبیعت باشد که انسان تجربه می‌کند. آثار زلزله اغلب وحشتناک است. زلزله باعث مرگ بسیاری از انسان‌ها، رنج بسیار ویرانی شدید شده است. امروزه در حالی که دانشمندان سرتاسر جهان علل زلزله را مطالعه می‌کنند، مطالعه زلزله خیلی گسترش یافته است. این اسناد اولین اقدامات علمی برای مکتوب کردن آثار زلزله بودند.

۳۶. گزینه (۳) (۱) شیمیایی (۲) جسمانی؛ فیزیکی (۳) وحشتناک، بسیار بد (۴) عمومی، همگانی

۳۷. گزینه (۲) (۱) فراهم کردن، ارائه کردن (۲) باعث ... شدن، سبب

... شدن (۳) نیاز داشتن؛ ملزم کردن (۴) طراحی کردن

۳۸. گزینه (۱) (۱) تخریب، ویرانی (۲) منبع؛ منشأ (۳) بیان؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت (۴) شگفتی، حیرت

۳۹. گزینه (۴) (۱) به‌ندرت؛ به‌سختی (۲) به‌صورت تصادفی (۳) با امیدواری، امیدوارم (که) (۴) خیلی، بسیار

۴۰. گزینه (۱) (۱) گام؛ قدم؛ اقدام (۲) شیء؛ هدف (۳) درجه؛ مدرک (تحصیلی) (۴) نماد، سمبل

عموماً پذیرفته شده است که زنان هنوز به نحو قابل توجهی طولانی‌تر از مردان زندگی می‌کنند. برای این وضعیت، دلایل مختلفی پیشنهاد شده است، مثل احتمال این که ممکن است مردان به‌دلیل این که بیشتر ریسک می‌کنند، زودتر بمیرند. اما اخیراً تیمی از دانشمندان بریتانیایی یک پاسخ احتمالی را در سیستم ایمنی یافته‌اند، که از بدن در برابر بیماری‌ها محافظت می‌کند. تیموس عضوی است که سلول‌های T را تولید می‌کند که در واقع با بیماری‌ها مبارزه می‌کنند. اگرچه هر دو جنس، در حال پیر شدن، از مشکل ضعیف شدن تیموس رنج می‌برند، به‌نظر می‌رسد که زنان، از مردان دارای همان سن، سلول‌های T بیشتری دارند.

دانشمندان اعتقاد دارند این [موضوع] است که به زنان حفاظت بهتری از بیماری‌های بالقوه مرگبار، همچون آنفلوآنزا و سینه‌پهلو ارائه می‌کند.

۴۱. گزینه (۳) (۱) به یاد آوردن، به خاطر آوردن (۲) سعی کردن، تلاش کردن (۳) پیشنهاد کردن؛ اشاره کردن (۴) شامل ... بودن

۴۲. گزینه (۳) توضیح: چون تو این جمله از بند موصولی استفاده شده تا اطلاعات بیشتری ارائه کنیم، به ضمیر موصولی (which / that) نیاز داریم. حواست باشه که بعد ضمیر موصولی، ضمیر فاعلی (it) رو نیاری.

۴۳. گزینه (۴) (۱) چنین، چنان (۲) با وجود این، با این حال (۳) از وقتی که؛ چون که (۴) گرچه، اگرچه

۴۴. گزینه (۴) توضیح: چون قبل جای خالی صفت تفضیلی (more) رو داریم، جمله با "than" کامل میشه.

۴۵. گزینه (۱) توضیح: چون تو این جمله از بند موصولی استفاده شده تا اطلاعات بیشتری ارائه کنیم، به ضمیر موصولی (that) نیاز داریم.

بسیاری از دانشجویان واقعاً از سختی‌های اولیه زندگی در کشوری جدید آگاه نیستند. وقتی شما در کشوری خارجی

CLOZE

10

زندگی می‌کنید، زمانتان را در کافه‌ها یا به تماشای میراث هنری یا طبیعی نمی‌گذرانید. باید [با افرادی] دوست شوید و برای انجام دادن آن [کار] باید به آن زبان صحبت کنید. اگر [این کار را] نکنید، خود را نیازمند کمک دیگران حتی برای انجام ساده‌ترین کارها می‌یابید - پست کردن یک نامه، انجام یک نقل و انتقال بانکی، گرفتن جواز کار، پرداخت یک قبض و غیره. این می‌تواند بعضی وقت‌ها آزاردهنده باشد، مخصوصاً وقتی که مجبورید [منظور] خود را در ساده‌ترین اصطلاحات بیان کنید چرا که هنوز زبان را نیاموخته‌اید.

۴۶. گزینه (۴) (۱) به طور فعالی، فعالانه (۲) از نظر ذهنی؛ از نظر روحی (۳) علناً، به طور عمومی (۴) واقعاً، حقیقتاً



G ۴۷. گزینه (۳) توضیح: تو این تست، مصدر با to هدف و مقصود از انجام دادن به کار رو نشون میده و مفعول فعل do (یعنی ضمیر that) هم باید بعد فعل بیاید.

G ۴۸. گزینه (۲) زمانی که؛ چون (که) (۲) حتی (۳) خیلی، بسیار (۴) گرچه، اگرچه

G ۴۹. گزینه (۳) توضیح: بعضی وقت‌ها: at times

V ۵۰. گزینه (۴) (۱) نگه داشتن؛ حفظ کردن؛ ادامه دادن (به) (۲) پیروی کردن؛ دنبال کردن (۳) تولید کردن، ساختن (۴) بیان کردن، ابراز کردن

قواعد مربوط به این که پنهان کردن یا بروز احساسات، چقدر مناسب یا شایسته است اغلب از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. برای مثال، ژاپن کشوری است که در آن برای کنترل ابراز احساسات منفی، اهمیت زیادی قائل می‌شوند، بنابراین این احساسات اغلب با لبخند پنهان می‌شوند. این بدان معنی نیست که ژاپنی‌ها، احساسات ناراحتی، ترس یا نفرت را تجربه نمی‌کنند. در عوض، آن‌ها یاد می‌گیرند که بروز این احساسات در ملاء عام، دور از نزاکت است. با وجود این، این احساسات در تنهایی، درست به همان روش سایر کشورها ابراز می‌شوند.

CLOZE

11

V ۵۱. گزینه (۴) (۱) تفاوت، اختلاف (۲) ارجاع، رجوع (۳) نمونه، مثال (۴) اهمیت

G ۵۲. گزینه (۳) توضیح: از 50 برای بیان نتیجه یک فعل استفاده میشه و با توجه به معنی جمله، در این جا کاربرد داره.

V ۵۳. گزینه (۴) (۱) گیج کردن، سردرگم کردن (۲) افزایش دادن؛ افزایش یافتن (۳) اثر گذاشتن بر، تأثیر گذاشتن بر (۴) تجربه کردن

V ۵۴. گزینه (۲) (۱) موثر، کار آمد (۲) بی ادب؛ دور از نزاکت (۳) گم شده؛ ناقص (۴) پیچیده، سخت

G ۵۵. گزینه (۳) (۱) آیا، که آیا (۲) چون، چون که (۳) با وجود این، با این حال (۴) اگرچه، گرچه

یک شخص بیکار کسی است که قادر و مایل به کار کردن است اما نمی‌تواند کار پیدا کند. دلایل این [مسئله] می‌تواند

متفاوت باشد: آن شخص ممکن است مناسب آن نوع کاری که دنبالش می‌گردد نباشد؛ ممکن است صنعت یا نوع دوره‌ای [که] آن شخص در آن آموزش دیده است به لحاظ اقتصادی دچار ضرر شود و شخص دوباره بیکار شود. هم‌چنین، دنبال کار مشابه گشتن خیلی دشوارتر است چون دیگران برای آن موقعیت‌های کم‌تر موجود در آن نوع کار رقابت می‌کنند.

۵۶. گزینه (۲) (۱) مشهور، معروف (۲) متفاوت، متنوع، مختلف (۳) ذهنی، روحی (۴) منفی

۵۷. گزینه (۴) (۱) ادامه دادن (به) (۲) ترک کردن؛ رها کردن (۳) تشکیل دادن، ساختن؛ آشتی کردن (۴) دنبال ... گشتن

۵۸. گزینه (۴) (۱) به نحو موثری، به نحو کار آمدی (۲) قطعاً، مطمئناً (۳) به درستی (۴) به لحاظ اقتصادی

۵۹. گزینه (۱) (۱) هم‌چنین، نیز (۲) هر چه، هر آن چه (۳) اگرچه، گرچه (۴) مگر این که

۶۰. گزینه (۳) (۱) عمومی، همگانی (۲) تجدیدپذیر، قابل تجدید (۳) موجود، در دسترس (۴) اولیه

معمولاً فرض می‌شود که کلمه فلسفه از زبان لاتین آمده است. فلسفه نخستین مربوط می‌شود به عقاید بنیادی زندگی و

جهان که اولین انسان‌هایی که روی زمین زندگی می‌کردند، به آن‌ها اعتقاد داشتند. آن، گذشته بسیار دوری بود، شاید هزاران سال [قبل] یا حتی بیشتر. شاید از خودتان می‌پرسید ما چگونه قادر هستیم هر چیزی (اطلاعاتی) درباره آن چه مردم در گذشته بسیار دور فکر می‌کردند یا انجام می‌دادند، بدانیم. پاسخ آن است که ما نمی‌توانیم [از این موضوع] با اطمینان اطلاع داشته باشیم، اما می‌توانیم بر مبنای دلایل گوناگون، حدس‌های خوبی بزنیم.

۶۱. گزینه (۴) (۱) کارکرد، عملکرد (۲) نمونه، مثال (۳) ترکیب (۴) نظر،

عقیده، ایده

۶۲. گزینه (۲) (۱) برای، به مدت (۲) شاید (۳) تا، تا هنگام (۴) تنها،

فقط، صرفاً

۶۳. گزینه (۳) (۱) سعی کردن، تلاش کردن (۲) انتظار داشتن (که)

(۳) تعجب کردن، از خود پرسیدن (۴) نیاز داشتن، احتیاج داشتن

۶۴. گزینه (۱) (۱) چه، آن چه (۲) کدام، کدامیک (۳) وقتی که، هنگامی

که (۴) چرا

۶۵. گزینه (۳) (۱) روشن، درخشان (۲) دور، دور دست (۳) دور (۴) بلند

توضیح: گذشته دور: distant past

غذا و لباس مشکلات دشواری را ایجاد می کردند. [در این

مورد] اطلاعات زیادی از اسکیموها، [یعنی] مردم گرینلند و

شمال کانادا، که خودشان را با زندگی در شرایط بسیار سرد خو داده

بودند، فرا گرفته شد. فقدان غذای تازه، به ویژه میوه‌ها و سبزیجات، به این

معنی بود که مسافران قطبی در خطر بیماری اسکوربوت (کمبود ویتامین

ث) قرار داشتند، که [روش] پیش‌گیری از آن تنها در ۱۰۰ سال اخیر، به

طور صحیحی درک شده است. پناهگاه و سوخت [مورد نیاز] برای آتش،

مشکلات دیگری هستند که به تدریج تا حدودی برطرف شده‌اند.

۶۶. گزینه (۴) (۱) درس دادن، تعلیم دادن (۲) کمک کردن (۳) بهتر

شدن، بهبود یافتن (۴) یاد گرفتن، فرا گرفتن

۶۷. گزینه (۱) توضیح: چون فاعل و مفعول جمله هر دو به یک

شخص اشاره دارن، به جای مفعول از ضمیر انعکاسی (themselves)

استفاده می کنیم.

۶۸. گزینه (۳) (۱) یقیناً، مطمئناً (۲) مستقیماً، مستقیم (۳) به ویژه،

علی‌الخصوص (۴) پیوسته، به‌طور مداوم

CLOZE

14

۶۹. گزینه (۲) (۱) دقت، توجه (۲) پیش‌گیری، ممانعت (۳) بیان، اظهار؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت (۴) پیشنهاد

۷۰. گزینه (۴) (۱) ماده، موضوع؛ محتوا (۲) شیء؛ هدف (۳) ابزار، وسیله (۴) سوخت

CLOZE

15

کلمه "ambulant" به معنای «متحرک، سیار» است و از کلمه لاتین "ambulare" به معنی راه رفتن می‌آید. در واقع اولین آمبولانس‌ها بیمارستان‌های «پیاده» بودند که ارتش‌ها را همه‌جا دنبال می‌کردند تا به آن‌هایی که در نبرد مجروح شده بودند کمک فوری ارائه کنند. فرانسویان نزدیکِ اواخر قرن هجدهم، اولین گاری‌های آمبولانس را معرفی کردند. در طول جنگ کریمه، گاری‌هایی که توسط مردان یا اسب‌ها کشیده می‌شدند، مجروحان را به بیمارستان می‌بردند، چون که هیچ تیم آمبولانس درست سازمان‌یافته‌ای وجود نداشت. سایر کشورها نیز این روش را برای حل [کردن مشکل] جراحات در جنگ اقتباس کردند.

۷۱. گزینه (۴) (۱) فرهنگی (۲) صمیمی، دوستانه (۳) محترمانه (۴) سریع، فوری

۷۲. گزینه (۳) (۱) در نظر گرفتن، لحاظ کردن (۲) جای ... را پیدا کردن، پیدا کردن (۳) معرفی کردن، عرضه کردن (۴) تحقیق کردن، پژوهش کردن

۷۳. گزینه (۲) (۱) نگه داشتن؛ برگزار کردن (۲) کشیدن؛ رسم کردن (۳) آویزان کردن، آویختن (۴) نصب کردن؛ چسباندن

۷۴. گزینه (۱) (۱) چون (که) (۲) گرچه، اگرچه (۳) بنابراین (۴) آیا، که آیا

۷۵. گزینه (۴) (۱) بی قید و شرط (۲) به راستی که (۳) خوشبختانه (۴) درست، به‌طور شایسته

بسیاری از مردم معتقدند که نقاش اسپانیایی پابلو پیکاسو (۱۸۸۱-۱۹۷۳) خلاق‌ترین و تأثیرگذارترین هنرمند قرن بیستم بود. پیکاسو از سن بسیار پایین در طراحی و نقاشی بسیار ماهر بود. شخصیت بی‌قرار او، او را به سمت نقاشی در سبک‌های بسیار متفاوت سوق داد. یکی از سبک‌ها «دوران آبی» نقاشی او بود وقتی که او روی رنگ آبی به عنوان رنگ اصلی نقاشی‌اش تمرکز داشت. در [سال] ۱۹۰۷، پیکاسو تصویری به نام دوشیزگان آوینیون کشید که بسیاری از مردم را شوکه کرد - این [نقاشی]، نقاشی از چهرهٔ انسان‌ها بود که با اشکال زاویه‌دار و خمیده نمایش داده می‌شد. این [در نهایت] منجر به سبکی از نقاشی شد که کوبیسم نامیده می‌شود.

۷۶. گزینهٔ (۲) توضیح: با توجه به این که در جای خالی احتیاج به صفت عالی داریم و creative یک صفت چندبخشی است، گزینهٔ (۲) پاسخ درست است.

۷۷. گزینهٔ (۳) (۱) به‌سختی؛ به‌ندرت (۲) تقریباً، حدوداً (۳) بسیار، خیلی (۴) با دقت، با احتیاط

۷۸. گزینهٔ (۴) (۱) مگر این که (۲) اگر (۳) با وجود این، هنوز (۴) وقتی (که)، هنگامی (که)

۷۹. گزینهٔ (۴) توضیح: با توجه به کاربرد اسم غیر انسان (نقاشی دوشیزگان آوینیون) قبل از جای خالی، در جای خالی به ضمیر موصولی برای غیر انسان (which / that) نیاز داریم.

۸۰. گزینهٔ (۱) (۱) شکل (۲) نظر، عقیده (۳) محدوده، طیف (۴) اصطلاح، ترم

دایناسورها تقریباً ۶۵ میلیون سال قبل [و] در پایان عصر کرتاسه منقرض شدند. حدود ۷۰٪ تمام حیات جانوری روی زمین منقرض شد. دانشمندان آن را انقراض دسته‌جمعی می‌نامند؛ آن اولین انقراض دسته‌جمعی در تاریخ زمین نبود و احتمالاً آخری هم

نخواهد بود! دایناسورها که ۱۶۵ میلیون سال وجود داشتند، چرا نابود شدند؟ تئوری‌های بسیار متفاوتی وجود دارد [که] چرا این اتفاق افتاد. ما احتمالاً هرگز پی نخواهیم برد چرا، که به این معنی است که دانشمندان به اختلاف نظر ادامه خواهند داد و تئوری‌های مختلفی [درباره] انقراض دایناسورها ارائه خواهند کرد. طبق یکی از این تئوری‌ها، هر از چند گاهی، زمین برای وارد شدن به دوران‌هایی که ما عصرهای یخبندان می‌نامیم، خنک می‌شود. چون که تصور می‌شد دایناسورها خونسرد باشند، برای آن‌ها سخت بود که در چنین شرایط سردی زندگی کنند.

۸۱. گزینه (۳) (۱) تقریباً (۲) از نظر جسمی، از نظر فیزیکی (۳) شاید، احتمالاً (۴) در نهایت، بالاخره

۸۲. گزینه (۴) (۱) به نظر رسیدن؛ ظاهر شدن (۲) واکنش نشان دادن، عکس‌العمل نشان دادن (۳) افزایش دادن؛ افزایش یافتن (۴) وجود داشتن، بودن، زندگی کردن

۸۳. گزینه (۱) (۱) اتفاق افتادن، رخ دادن (۲) منقرض شدن، (به کلی) نابود شدن (۳) تمام کردن؛ پایان یافتن (۴) تمام کردن؛ تمام شدن

۸۴. گزینه (۲) توضیح: چون قبل از جای خالی اسم غیر انسان (periods) و بعد اون ضمیر فاعلی (we) رو داریم، در جای خالی ضمیر موصولی مفعولی برای غیر انسان (which / that) رو استفاده می‌کنیم.

۸۵. گزینه (۴) توضیح: با در نظر گرفتن این ساختار، بعد از صفت (hard) از مصدر با to استفاده می‌کنیم:

مصدر با to + (مفعول + for) + صفت + to be +

چینی‌های باستان بانی اختراع بسیاری از اشیاء و اقلامی هستند که ما امروزه به‌طور عادی به کار می‌بریم. چتر یکی از این اقلام است. اولین چترها حدود ۱۶۰۰ سال قبل به‌وجود آمدند. آن‌ها با کاغذ روغنی، کاغذ برنج، چسب و نی هندی درست می‌شدند. بیرون چترها اغلب

CLOZE

18

با نقاشی‌های رنگارنگی از گل‌ها، پرندگان و طراحی‌های دیگر تزئین می‌شد. با وجود این، این چترهای کاغذی برای محافظت کردن از شخص در برابر باران استفاده نمی‌شدند. خانم‌ها از آن‌ها برای محافظت از پوستشان در برابر آفتاب استفاده می‌کردند. چتر، هم برای مردها و هم برای زن‌ها بسیار متداول شد و به عنوان نماد جایگاه برتر در جامعهٔ چین باستان در نظر گرفته شد.

۸۶. گزینه (۳) (۱) قویاً، به شدت (۲) از نظر ذهنی، از نظر روحی (۳) به‌طور عادی، عموماً (۴) فوراً، بی‌درنگ

۸۷. گزینه (۲) توضیح: در این سؤال first عدد شمارشی است و برای اشاره به اولین چترها به کار رفته است. دقت کنید که این عدد شمارشی the گرفته چون به چترهای مشخص اشاره می‌کند (اولین‌ها). هم‌چنین کاربرد حرف اضافهٔ of همراه این معنی first درست نیست.

۸۸. گزینه (۴) (۱) بردن؛ گرفتن (۲) نگه داشتن؛ برگزار کردن (۳) در پی ... بودن (۴) درست کردن، ساختن

۸۹. گزینه (۱) توضیح: با توجه به جمع بودن desings، قبل از آن از other استفاده می‌شود، نه another. دقت کنید که other به عنوان ضمیر یا صفت اشاره، شکل جمع ندارد.

۹۰. گزینه (۱) توضیح: from و against حروف اضافهٔ فعل protect (محافظت کردن) هستند.

در بسیاری از فرهنگ‌ها، مردم فکر می‌کنند که عشق و ازدواج، مثل نان و کره یا گوشت و سیب‌زمینی لازم و ملزوم یکدیگر هستند. آن‌ها فکر می‌کنند که عشق مبنای ضروری ازدواج است و این‌که شما قبل از ازدواج کردن باید شخصی را که با او ازدواج می‌کنید دوست داشته باشید. با وجود این، در سایر فرهنگ‌ها، ممکن است مرد و زن قبل از روز عروسی‌شان حتی یکدیگر را نشناسند. در این فرهنگ‌ها، عشق رمانتیک برای ازدواج لازم نیست. این مردم انتظار دارند که اگر ازدواج، یک [ازدواج] خوب باشد، عشق

CLOZE

19

پس از عروسی شکل خواهد گرفت. عقاید شما درباره عشق و ازدواج از فرهنگتان نشأت می‌گیرد. آیا تاکنون درباره آن فکر کرده‌اید؟ دیدگاه‌های شما چیست؟

۹۱. گزینه (۴) (۱) جسمانی، فیزیکی (۲) اخیر، جدید (۳) متنوع، گوناگون (۴) لازم، ضروری
۹۲. گزینه (۲) (۱) در حالی که (۲) با وجود این، با این حال (۳) بنابراین (۴) آیا، که آیا
۹۳. گزینه (۳) توضیح: همدیگر، یکدیگر: each other / one another
۹۴. گزینه (۴) (۱) جمع کردن، جمع‌آوری کردن (۲) وابسته بودن، متکی بودن (۳) فراهم کردن، مهیا کردن (۴) انتظار داشتن (که)، امید داشتن (که)
۹۵. گزینه (۱) (۱) عقیده، نظر (۲) حس، شعور (۳) ثبت، ضبط؛ رکورد (۴) جزء؛ [در جمع] جزئیات

در [سال] ۱۷۹۶ ناپلئون بناپارت میلان را پایتخت جمهوری سیسالپین (الب) خودش کرد و در [سال] ۱۸۰۵ در کلیسای جامع پادشاه ایتالیا شد. اتریشی‌ها بعد از شکست ناپلئون در [سال] ۱۸۱۴ بازگشتند، اما میلانی‌ها طعم آزادی را چشیده بودند و میلان کانون مبارزات برعلیه سلطه خارجی شد. سرانجام در [سال] ۱۸۵۹، بعد از نبرد مگنتا، اهالی شهر به ویکتور امانوئل، اولین پادشاه ایتالیای متحد، خوشامد گفتند. اگر چه بنیتو موسولینی در [سال] ۱۹۱۹ در میلان، حزب فاشیست خودش را به وجود آورد، این شهر مرکز قدرت برای فاشیسم و برای اشغال آلمان در جنگ جهانی دوم شد.

۹۶. گزینه (۴) (۱) ادامه دادن (به) (۲) پس دادن، برگرداندن (۳) [شخص] به راه خود ادامه دادن (۴) بازگشتن، برگشتن
۹۷. گزینه (۲) (۱) تعادل، توازن (۲) آزادی (۳) فشار (۴) تمیزی، نظافت
۹۸. گزینه (۱) (۱) خارجی (۲) اخیر، جدید (۳) مضر (۴) لازم، ضروری
۹۹. گزینه (۳) (۱) در حالی که (۲) آیا، که آیا (۳) گرچه، اگرچه (۴) چون (که)

CLOZE

20



🗨️ **توضیح:** به نظر میاد هر دو گزینه (۳) و (۴)، و به خصوص گزینه (۴) می‌تونن جواب درست باشن و بهتر بود طراح کنکور در مورد این تست یه کم دقت بیشتری به خرج می‌داد.

۱۰۰. **گزینه (۱)** (۱) به وجود آوردن؛ خلق کردن (۲) مطلع کردن (۳) ثبت کردن؛ ضبط کردن (۴) آموزش دادن

سلامت را می‌توان به عنوان وضعیت متناسب و سالم بودن [بدن] در نظر گرفت. سازمان بهداشت جهانی (WHO) [یعنی] آژانس ملل متحد که مسئول مراقبت‌های بهداشتی در سرتاسر جهان است، تعریف دقیق‌تری ارائه می‌کند. آن می‌گوید که سلامت، وضعیت سلامت جسمانی، روحی و اجتماعی کامل است و نه فقط فقدان بیماری و ضعف. با وجود این، در کشوری فقیر، سلامت ممکن است صرفاً به معنی خوردن غذای کافی برای زنده ماندن و دوری از بیماری‌های واقعاً خطرناک مثل حصبه و وبا باشد. هر چه کشورها ثروتمندتر می‌شوند، به استانداردهای مثبت‌تری از سلامت خوب سازمان بهداشت جهانی دست می‌یابند، چون که مردم آن‌ها می‌توانند غذاها و مراقبت‌های درمانی بهتری در اختیار داشته باشند.

۱۰۱. **گزینه (۴)** (۱) احساسی، عاطفی؛ احساساتی (۲) طبیعی؛ ذاتی (۳) ذهنی؛ روحی (۴) مسئول

۱۰۲. **گزینه (۳)** (۱) مورد، نمونه، مثال (۲) کارکرد؛ عملکرد (۳) تعریف (۴) پیش‌بینی؛ پیش‌گویی

۱۰۳. **گزینه (۱)** (۱) کامل، تمام‌شده (۲) مستقیم، راست (۳) مثبت (۴) احتمالی، محتمل

۱۰۴. **گزینه (۲)** (۱) عمیقاً؛ به شدت (۲) واقعاً، در حقیقت (۳) مستقیماً، یکراست (۴) به طور فعالی، فعالانه

۱۰۵. **گزینه (۴)** (۱) افزایش دادن؛ افزایش یافتن (۲) اداره کردن؛ [دستگاه] به کار انداختن (۳) دفاع کردن از (۴) دست یافتن به، نایل شدن به

آیا تاکنون رادیوگرافی شده‌اید؟ اگر استخوانتان شکسته باشد، دندان درد داشته‌اید یا چمدانی را به هواپیما برده باشید، احتمالاً [رادیوگرافی] شده‌اید. در [مطب] دندان‌پزشک، شما فیلم [رادیوگرافی] را در دهانتان قرار می‌دهید. رادیوگرافی روش مخصوصی است برای عکس گرفتن از استخوان، دندان یا شیئی که از دید مستقیم پنهان است. رادیوگرافی‌ها به طرق زیادی مفید هستند. پزشک با بررسی رادیوگرافی می‌تواند ببیند که آیا استخوانی شکسته است یا دندانی پوسیدگی دارد. فرآیند رادیوگرافی در [سال] ۱۸۹۵ کشف شد. رادیوگرافی‌ها در پیدا کردن اشیای مخفی دیگر هم مفید هستند. برای مثال، در فرودگاه‌ها، چمدان‌ها عکس‌برداری می‌شوند تا بدون الزامی به باز کردن و سرکشی کردن در هر کدام از آن‌ها، متوجه شوند که آیا شیء خطرناکی در داخل [چمدان‌ها] وجود دارد [یا نه].

۱۰۶. گزینه (۳) (۱) تقریباً، حدوداً (۲) دقیقاً (۳) شاید، احتمالاً (۴) به‌طور فعالانه

۱۰۷. گزینه (۲) توضیح: از مصدر با to می‌توانیم برای بیان هدف کلی از انجام یک کار استفاده کنیم. نویسنده متن در اینجا بیان می‌کند که هدف از رادیوگرافی، عکس گرفتن از استخوان، دندان و ... است.

۱۰۸. گزینه (۱) (۱) شیء (۲) حقیقت، واقعیت (۳) زمین؛ زمینه، رشته (۴) واحد

۱۰۹. گزینه (۴) توضیح: فعل "discover" (کشف کردن، پیدا کردن) متعدی است. با توجه به این که در این سؤال، مفعول (X-Ray process) قبل از جای خالی استفاده شده، نه بعد از آن، در جای خالی به فعل مجهول نیاز داریم. در بین گزینه‌های این سؤال فقط گزینه (۴) مجهول است.

۱۱۰. گزینه (۳) توضیح: فعل have to برای بیان اجبار و ضرورت به طور کلی استفاده می‌شود و فعل اصلی بعد از آن به شکل ساده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آیا می‌دانید که خنده می‌تواند به سیستم ایمنی [بدن] شما کمک کند؟ حتی ممکن است که شما با هر خنده، احتمال سرما خوردن یا حملهٔ آلرژی خودتان را کاهش دهید. در واقع، اگر شما قبل از خوابیدن بخندید، احتمالاً خواب شبانهٔ خیلی خوبی خواهید داشت. تحقیقات پزشکی در مورد خنده و میل به بهتر شدن، باعث می‌شوند افراد بیشتر و بیشتری از خنده برای داشتن احساس بهتر استفاده کنند. آلن کلاین می‌گوید که ما همه باید بخندیم، به خصوص به خودمان. ما برای پرورش «مهارت‌های طنز» خودمان باید طنز را در رفتارها و واکنش‌های خودمان ببینیم. ما با تمرین می‌توانیم در این [کار] بهتر شویم.

۱۱۱. گزینهٔ (۲) (۱) به دلیل، به سبب (۲) در واقع، در حقیقت (۳) تا وقتی که؛

به شرطی که (۴) به محض این‌که، همین‌که

۱۱۲. گزینهٔ (۱) (۱) شاید، احتمالاً (۲) علناً، آشکارا، به‌طور عمومی (۳) به

سختی؛ به ندرت (۴) آرام، به آرامی

۱۱۳. گزینهٔ (۴)

(۱) راهنما (۲) رمز، راز؛ معما (۳) انتقال، نقل و انتقال (۴) میل، گرایش

۱۱۴. گزینهٔ (۳) (۱) به‌طور مؤثری، به طرز کارآمدی (۲) با موفقیت،

به خوبی (۳) به ویژه، به خصوص (۴) از نظر احساسی، از نظر عاطفی

۱۱۵. گزینهٔ (۴) (۱) بالا آمدن؛ [خورشید] طلوع کردن (۲) نصب کردن،

کار گذاشتن (۳) جذب کردن؛ جلب کردن (۴) پرورش دادن؛ توسعه دادن

شاغل بودن به معنی شغل داشتن [یا] کار داشتن است.

نوع کار، ساعات و شرایط [کار] در سراسر جهان از کشوری

به کشور [دیگر]، از سازمانی به سازمان [دیگر]، از شرکتی به شرکت

[دیگر] متفاوت است. اشتغال کامل اصطلاحی اقتصادی است به این

معنی که تمام نیروهای کار موجود یک کشور مشغول کار باشند. امروزه

این [مسئله] را به دلایل متعددی به عنوان وضعیتی محال برای دست

یافتن در نظر می‌گیرند. استخدام بودن معمولاً به معنی کار کردن برای

یک کارفرما برای مدت [زمان] ۸ ساعت در روز، از دوشنبه تا جمعه است، اما این می‌تواند از شغلی به شغل [دیگر]، [و] از کشوری به کشور [دیگر] خیلی متفاوت باشد.

۱۱۶. گزینه (۴) (۱) نظر، عقیده (۲) موضوع، عنوان (۳) بیان؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت (۴) شرایط، وضعیت

۱۱۷. گزینه (۱) (۱) اصطلاح (۲) جزء؛ [در جمع] جزئیات (۳) نمونه، مثال (۴) میانگین؛ معدل

۱۱۸. گزینه (۲) (۱) جسمانی، فیزیکی (۲) موجود، در دسترس (۳) منطقی (۴) مسئول

۱۱۹. گزینه (۳) (۱) راهنمایی کردن، هدایت کردن (۲) به خاطر آوردن (۳) نگاه کردن؛ به‌شمار آوردن، در نظر گرفتن (۴) اندازه گرفتن

۱۲۰. گزینه (۱) (۱) خیلی، بسیار (۲) به سختی؛ به ندرت (۳) یقیناً، حتماً (۴) ناگهان

فراغت یا وقت آزاد، زمانی است که دور از تجارت، کار و وظایف خانه، گذرانده می‌شود. در واقع، این [زمان] شامل وقتی نیست که با انجام فعالیت‌های غیر قابل اجتناب، مثل خواب، و [یا] جایی که مانند تحصیلات الزامی است.

تمایز یا تفاوت بین فراغت و فعالیت‌های غیر قابل اجتناب، موردی نیست که با قاطعیت تعریف شود؛ برای مثال، مردم گاهی فعالیت‌های مرتبط با کار را برای تفریح و همین‌طور کارکرد بلندمدت [آن‌ها] انجام می‌دهند. علاوه بر این، بین وقت آزاد و فراغت تفاوت وجود دارد. برای مثال، موقعیت‌گرایی بین‌الملل اعلام می‌کند که وقت آزاد به ندرت آزاد است؛ قدرت‌های اقتصادی و اجتماعی، وقت آزاد را از فرد می‌دزدند و آن را دوباره به عنوان محصولی که با عنوان «فراغت» شناخته می‌شود، به او می‌فروشند. یقیناً، فعالیت‌های [مربوط به] اوقات فراغت بیشتر افراد، انتخابی کاملاً آزادانه نیستند و ممکن است به وسیله فشارهای

CLOZE

25

اجتماعی محدود شوند؛ برای مثال، ممکن است افراد مجبور شوند وقت [خودشان] را صرف باغبانی کنند، [صرفاً] به دلیل [احساس] نیاز به تقلید کردن از استانداردهای [موجود در] باغ‌های همسایه.

۱۲۱. گزینه (۴) توضیح: چون که تو این جمله از بند موصولی استفاده شده تا اطلاعات بیشتری ارائه کنیم، به ضمیر موصولی (در این مورد which یا that) نیاز داریم.

۱۲۲. گزینه (۲) (۱) آزمایش (۲) فعالیت، کار (۳) محدوده، طیف (۴) عامل، فاکتور

۱۲۳. گزینه (۲) (۱) بالا بردن؛ افزایش دادن (۲) دزدیدن، سرقت کردن (۳) کم کردن؛ کم شدن (۴) جلوگیری کردن از، جلوی ... را گرفتن

۱۲۴. گزینه (۳) (۱) خوشبختانه (۲) به شکلی مشابه، مانند هم (۳) یقیناً، مطمئناً (۴) سابقاً، پیش از این

۱۲۵. گزینه (۱) (۱) فشار (۲) قدم؛ گام؛ اقدام (۳) مهارت (۴) استادی؛ مهارت؛ فن

انتقال حرارت از یک محل به [محل] دیگر از طریق جابه‌جایی مایع یا گاز هم‌رفت نامیده می‌شود و هنگامی اتفاق می‌افتد که دمای یک بخش از مایع یا گاز، با آن [دمای] بخش دیگر متفاوت باشد. وقتی مایع گرم می‌شود، کمی منبسط می‌گردد تا این که مایع داغ، سبک‌تر از مایع سردتر اطراف باشد و در نتیجه بالا بیاید. در یک کتری برقی، وقتی [جریان] برق تازه وصل شده است، جریان‌های موج‌دار آب داغ را می‌توان دید که از المنت بالا می‌آیند. به این دلیل، رادیاتور یا مخزن آب داغ، همواره در بالا به نسبت پایین داغ‌تر است.

۱۲۶. گزینه (۴) (۱) وزن (۲) ساختار (۳) نوع، گونه (۴) دما، درجه حرارت

۱۲۷. گزینه (۱) توضیح: متفاوت با: different from

۱۲۸. گزینه (۲) (۱) راحت، به راحتی (۲) کمی، تا حدودی (۳) شاید،

احتمالاً (۴) معمولاً، به طور عادی

CLOZE

26

۱۲۹. گزینه (۳) (۱) گم شده، مفقودالثر (۲) سازمان دهنده (۳) اطراف،

دور و بر (۴) فزاینده، رو به افزایش

۱۳۰. گزینه (۱) (۱) بالا رفتن، بلند شدن (۲) عبور کردن از، رد شدن از

(۳) نگه داشتن؛ برگزار کردن (۴) درست کردن؛ باعث ... شدن

جیمز اندرسن دربارهٔ اتلاف انرژی در هتل‌ها می‌نویسد:

اتاق‌های بیش از اندازه گرم شده، چراغ‌هایی که تمام شب

روشن رها می‌شوند، حوله‌هایی که یک بار استفاده و سپس فرستاده می‌شوند

تا شسته شوند. حق با اوست، ولی چرا به هتل‌ها اکتفا کنیم؟ آیا بهتر نبود که

از تمام اتلاف‌های نابخدانهٔ دیگری که ویژگی زندگی مدرن هستند نام ببریم؟

صبح هنگام، من در امتداد خیابان اصلی راه می‌روم [و] از کنار

فروشگاهی که درهایشان کاملاً باز است رد می‌شوم که هوای گرم

را به خیابان می‌دمند. در سوپرمارکت من سبزی‌های منجمدم را از

قفسهٔ خنک‌کننده‌ای برمی‌دارم که کاملاً باز است. بچه‌هایم وقتی که

بیرون می‌روند کامپیوترهایشان را روشن رها می‌کنند و شارژرهای

گوشی‌هایشان را در برق [می‌گذارند] در حالی که هیچ گوشی‌ای به سر

دیگرشان [وصل] نیست. تمام این اتلاف چه چیزی را نشان می‌دهد؟

۱۳۱. گزینه (۴) توضیح: چون که تو این جمله از بند موصولی

استفاده شده تا اطلاعات بیشتری ارائه کنیم، به ضمیر موصولی (در این

مورد that یا which) نیاز داریم. دقت کنید که چون فعل leave (رها

کردن) متعدی است و مفعول اون (lights) قبل از جای خالی اومده، این

فعل رو به شکل مجهول (در این تست are left) به کار می‌بریم.

۱۳۲. گزینه (۱) توضیح: بعد از صفت (تو این تست صفت تفضیلی

better) فعل رو به شکل مصدر با to به کار می‌بریم.

۱۳۳. گزینه (۱) (۱) [باد] وزیدن؛ آمدن، دمیدن (۲) تولید کردن، ساختن؛

ایجاد کردن (۳) عبور کردن از، گذشتن از (۴) (از جا) بلند شدن

CLOZE

27

- G ۱۳۴. گزینه (۴) توضیح: صفت فاعلی (مثل cooling) ایجادکننده حس و حالت است و معمولاً برای غیر انسان (در این تست cabinet) استفاده میشود. دقت کنید که در زبان انگلیسی صفت رو قبل از اسم به کار می‌بریم.
- V ۱۳۵. گزینه (۲) (۱) خاموش (۲) روشن (۳) اطراف (۴) بالا

رومی‌ها در یک ضرب‌المثل درباره سلامت صحبت می‌کردند: «عقل سالم در بدن سالم». علاوه بر سلامت جسمانی، درک سلامت روحی [هم] مهم است. فشار روحی بسیار زیاد می‌تواند تأثیر بدی روی سلامت جسمانی شخص داشته باشد. بدن انسان بسیار پیچیده‌تر از هر دستگاهی است. با وجود این، آن از هر دستگاهی به مراقبت روزانه کم‌تری نیاز دارد. هیچ دستگاهی نمی‌تواند تمام کارهایی را انجام دهد که بدن [انسان] می‌تواند انجام دهد. هیچ دستگاهی تنها با نیاز به هوا، آب، غذا و فقط چند قاعده ساده، به مدت ۷۰ سال یا بیشتر [و] شب و روز کار نخواهد کرد. [تاکون] هیچ دستگاهی ساخته نشده است که بتواند مثل بدن انسان با آن همه شرایط مختلف منطبق شود.

- V ۱۳۶. گزینه (۴) (۱) تبدیل کردن، تغییر دادن (۲) موفق شدن، پیروز شدن (۳) جدا کردن؛ جدا شدن (۴) درک کردن، فهمیدن
- V ۱۳۷. گزینه (۲) (۱) ابزار، وسیله (۲) اثر، تأثیر (۳) حالت، وضعیت، ایالت، دولت (۴) مورد، نمونه

- V ۱۳۸. گزینه (۳) (۱) عمومی، همگانی (۲) خاص؛ مطمئن (۳) پیچیده، دشوار (۴) مختلف، متفاوت

- G ۱۳۹. گزینه (۱) توضیح: چون قبل از جای خالی less رو داریم، پس این‌جا صفت تفضیلی استفاده شده و جمله با than کامل می‌شه.

- G ۱۴۰. گزینه (۳) توضیح: چون که "rules" اسم قابل شمارش جمع است، توی جای خالی به "few" یا "a few" نیاز داریم. دقت کنید که بعد از only (فقط، تنها) در بین این دو مورد می‌تونیم از a few استفاده کنیم.

جمعیت آفریقا بسیار سریع رشد می‌کند. آن تا [سال] ۲۱۰۰، خانه ۴/۴ میلیارد نفر- [یعنی] چهار برابر جمعیت

فعلی‌اش - خواهد بود. سازمان ملل هشدار داده است: «این قاره همچنان از رشد [جمعیت] شهری بسیار سریع که با فقر شهری شدید و مشکلات اجتماعی بسیار دیگری همراه است، رنج می‌برد.»

این قاره در نیمه دوم قرن بیستم [و] با افزایش بسیار سریع جمعیتش، شروع به جهش کرد. آفریقای شرقی و مرکزی، از جمله کشورهای همچون کنیا و کنگو، بیشترین رشد جمعیت را داشتند. در عین حال، آن‌هایی که در جنوب و شمال [بودند] - همچون آفریقای جنوبی و تونس - شاهد رشد کمتری بودند. انتظار می‌رود [که] این روند در این قرن ادامه پیدا کند؛ اما تاکنون، رشد جمعیت با خودش ثروت نیاورده است.

۱۴۱. گزینه (۲) (۱) طلوع کردن؛ برخاستن (۲) رنج بردن، درد کشیدن (۳) دنبال کردن؛ پیروی کردن (۴) نگاه کردن؛ در نظر گرفتن، لحاظ کردن
۱۴۲. گزینه (۴) توضیح: چون تو این جمله از بند موصولی استفاده شده تا اطلاعات بیشتری ارائه کنیم، به ضمیر موصولی (which / that) نیاز داریم.

۱۴۳. گزینه (۱) (۱) مشکل (۲) واقعه، رویداد (۳) مورد، نمونه (۴) فعالیت
۱۴۴. گزینه (۱) توضیح: تمام عبارت قبل جای خالی، فاعل جمله به حساب میاد و طبیعتاً بعد از اون به فعل نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، فقط در ابتدای گزینه (۱) فعل (had) رو داریم.

۱۴۵. گزینه (۳) توضیح: فعل expect (انتظار داشتن، توقع داشتن) متعدی است و باید بعد از اون مفعول بیاد. چون که بعد از جای خالی مفعول نیومده، جمله ساختار مجهول پیدا می‌کنه و به فعل مجهول نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، فقط گزینه (۳) مجهول است.



دستمزد یا همان طور که به آن حقوق نیز گفته می‌شود، حق‌الزحمه‌هایی توسط کارفرمایان به کارمندان در ازای کار است. گاهی اوقات آن‌ها براساس زمان هستند- به کارگر در ازای رقم خاصی برای هر ساعت یا رقم خاصی برای هر هفته پول داده می‌شود و گاهی اوقات بابت کالاهای که تولید شده به آن‌ها پول داده می‌شود- به عنوان مثال به تولیدکننده پیراهن در ازای هر پیراهن تولید شده مقدار معینی پول داده می‌شود. حقوق به صورت نقدی پرداخت می‌شود اما گاهی اوقات شامل پرداخت غیر نقدی است، مانند موقعی که مسکن بدون اجاره در اختیار سرایدار گذاشته می‌شود. این نوع حق‌الزحمه به شدت توسط قانون کنترل می‌شود؛ بنابراین از کارگر در مقابل کارفرمای بدی که ممکن است سعی بر دادن تمام یا تقریباً تمام این حقوق به صورت غیر نقدی داشته باشد، حمایت می‌شود.

۱۴۶. گزینه (۳) ۱) عبور کردن از، [نمک و غیره] دادن ۲) عبور کردن از، گذشتن از ۳) براساس ... قرار دادن ۴) استفاده کردن، به کار بردن

۱۴۷. گزینه (۴) ۱) عامل، فاکتور ۲) منبع، منشأ ۳) موضوع؛ عنوان ۴) کالاها

۱۴۸. گزینه (۳) ۱) افزایش دادن؛ افزایش یافتن ۲) احتیاج داشتن، ملزم کردن ۳) شامل ... بودن ۴) بر ... اثر گذاشتن

۱۴۹. گزینه (۲) ۱) به لحاظ اجتماعی ۲) به طور جدی، با سخت‌گیری، به شدت ۳) به طور مستقیم ۴) به طور مشابه

۱۵۰. گزینه (۲) توضیح: در بین گزینه‌های این تست، فقط از 50 می‌تونیم برای بیان نتیجه و اثر در جملات مرکب استفاده کنیم.